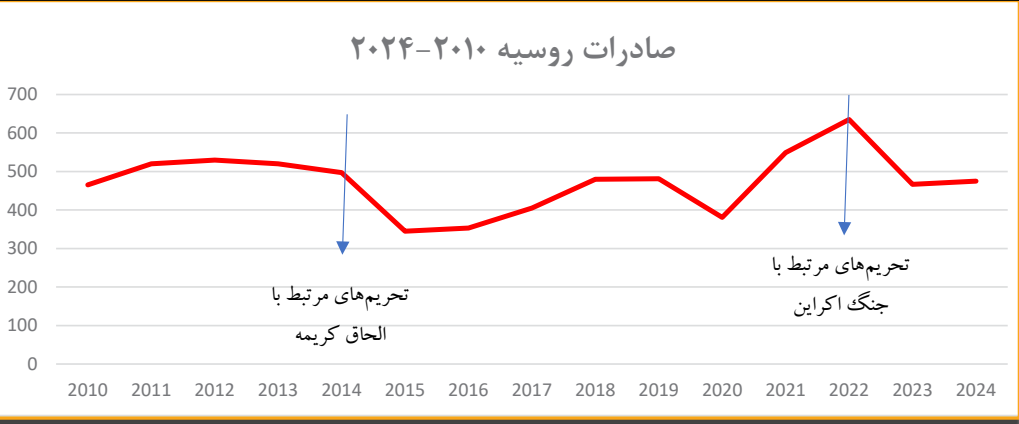
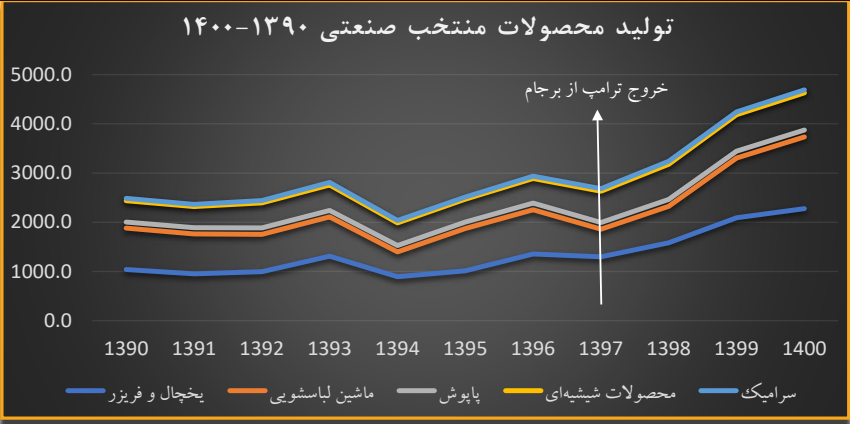




تحریم؛ فرصت یا تله؟

تحریم های ایران و روسیه و مواجهه این دو کشور با محدودیت های گسترده چه درس هایی به ما داده است؟

گزارش

برزین جعفرتاش

پژوهشگر توسعه صنعتی

در سال های اخیر تحریم های بین‌المللی به یکی از تعیین‌کننده‌ترین متغیرهای اقتصاد سیاسی کشورهایی مانند ایران و روسیه تبدیل شده‌اند؛ پدیده‌ای که هم صدمات فوری (قطع تجارت، فروپاشی زنجیره‌های تأمین، فشار بر ارزش پول) به بار می‌آورد و هم فرصت‌هایی برای بازسازی ساختار صنعتی و نهادهای اقتصادی فراهم کرده است. آنچه پیش رو دارید، مروری بر تجربه ایران و روسیه در مواجهه با تحریم‌ها و شیوه‌ای است که نحوه تصمیم و عمل سیاستگذار — از مدیریت منابع اثر نا انتخاب بین جایگزینی واردات یا باز شدن به بازارهای منطقه‌ای — سرنوشت رشد و تاب‌آوری اقتصاد را در شرایط تحریمی تعیین می‌کند.

آثار تحریم‌ها

تحریم‌ها مجموعه‌ای از آثار مستقیم و غیرمستقیم را بر اقتصاد هدف تحمیل می‌کند که می‌توان آنها را در سه محور عمده خلاصه کرد: اختلال در تجارت و زنجیره تأمین، بی‌ثباتی کلان اقتصادی و فشارهای مالی.

الف) اختلال در تجارت و زنجیره تأمین تحریم‌های بین‌المللی با محدود کردن دسترسی کشور هدف به بازارها، خدمات حمل‌ونقل، بیمه و زیرساخت‌های مالی بین‌المللی (مثلاً محرومیت از سیستم‌های

مروری بر نظریه «اثر تونل» از آلبرت هیرشمن

... و صبوری ناگاه جایش را به خشم داد!

گزارش

امیررضا انجلی

اقتصاددان

آلبرت هیرشمن در مقاله بنیادین خود با عنوان «تحمل نابرابری درآمدی در جریان توسعه اقتصادی»، به بررسی یکی از پارادوکس‌های کلیدی در فرآیند توسعه می‌پردازد؛ اینکه چرا در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، که نابرابری‌های درآمدی بین طبقات، بخش‌ها و مناطق مختلف معمولاً بشدت افزایش می‌یابد و جامعه ممکن است تحمل‌فایل توجهی در قبال این نابرابری‌ها از خود نشان دهد. هیرشمن استدلال می‌کند که این تحمل موقتی و شکننده است و در آن برای جلوگیری از «فاجعه توسعه» حیاتی است. هسته مرکزی تئوری او پدیده‌ای است که آن را «اثر تونل» می‌نامد.

رضایت از پیشرفت دیگران

هیرشمن استدلال خود را با یک قیاس روشن‌گرانه آغاز می‌کند. تصور کنید در یک تونل دو پانده که هر دو به یک سمت حرکت می‌کنند، در ترافیک سنگینی گیر افتاده‌اید. هیچ خودرویی در هیچ خطی حرکت نمی‌کند. شما در خط سمت چپ هستید و احساس ناامیدی می‌کنید. ناگهان، خودروهای خط سمت راست شروع به حرکت می‌کنند. در این لحظه، روحیه شما به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد، می‌دانید که گره ترافیک باز شده و بزودی نوبت خط شما برای حرکت خواهد رسید، حتی اگر شما هنوز ثابت

تسویه بین‌المللی مثل (SWIFT) عملاً واردات و صادرات را محدود می‌کنند. قطع روابط قراردادی و خروج شرکت‌های چندملیتی از بازارهای تحریم‌شده باعث می‌شود تأمین نهاده‌های (به‌ویژه قطعات و فناوری‌های دارای محتوای خارجی

بالا) تولید با مشکل روبه‌رو شود. مطالعات موردی نشان می‌دهد که صنایع حساس مانند انرژی، بانکداری و حوزه‌های دارای فناوری بالا اولین قربانیان این قطع ارتباط‌اند و اغلب باعث خروج سرمایه‌گذاری خارجی یا انتقال تولید به بازارهای کم‌ریسک‌تر می‌شوند.

ب) بی‌ثباتی کلان اقتصادی: تورم، کاهش ارزش پول و کسری بودجه جدا از کاهش درآمدهای ارزی (به‌ویژه وقتی صادرات حامل‌های انرژی هدف قرار می‌گیرند)، قطع جریان‌های مالی خارجی و محدودیت در ذخایر ارزی باعث کاهش عرضه ارز و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی می‌شود. کاهش ارزش پول، افزایش هزینه معیارهای کیفیت، مقیاس و پیوند می‌بخشد. هم‌زمان درآمدهای دولت (مثلاً از محل صادرات نفت) کاهش می‌یابد در حالی که هزینه‌های اضطراری (یارانه‌ها و هزینه‌های دفاعی) افزایش پیدا می‌کند؛ نتیجه محتم افزایش کسری بودجه و اتکای بیشتر به تأمین نقدینگی از طریق استقراض یا خلق پول است که خود تورم را تشدید می‌کند.

ج) فشارهای مالی و خروج سرمایه تحریم‌ها ریسک سیاسی و اقتصادی را بالا برده و موجب قرار سرمایه می‌شوند، ثروتمندان و شرکت‌ها سرمایه‌های خود را از آن حوزه‌هایی منتقل کنند که کمتر

این الزام برداشته شده است. یکی از اشتباهات ایران در کنترل سرمایه و سیاست ارزی، خرید از صادرکنندگان به قیمت پایین‌تر از نرخ بازار و تخصیص ارز ارزان به واردات بود که باعث تضعیف صادرات و تشویق واردات می‌شود.

البته مهم‌تر از کنترل‌های سرمایه، احتمالاً موضوع حکمرانی بر طبقه سرمایه‌دار است که دولت روسیه به خوبی توانست با تشویق و تهدید منافع طبقه سرمایه‌دار این کشور را به منافع بلندمدت جامعه گره بزند و همکاری دولت روسیه و این طبقه



تحریم‌ها مجموعه‌ای از آثار مستقیم و غیرمستقیم را بر اقتصاد هدف تحمیل می‌کند که می‌توان آنها را در سه محور عمده خلاصه کرد: اختلال در تجارت و زنجیره تأمین، بی‌ثباتی کلان اقتصادی و فشارهای مالی

تجارت خود را از طریق صادرات به چین و کشورهای منطقه حفظ کند. ایران هم با گسترش همکاری‌های راهبردی (برای مثال برنامه ۲۵ساله ایران و چین یا پیمان‌های جامع با روسیه) امکان دسترسی به بازارها، فناوری و منابع مالی جایگزین را فراهم کرده است ولی همچنان بهره‌برداری از این فرصت‌ها محدود است. در حالی که روسیه با تعهد راسخ به سیاست چرخش به شرق توانسته بهره زیادی از توسعه روابط با چین و سایر کشورهای غیرغربی بردد.

سیاست‌های غلط



بررسی تجربه کشورهای تحت تحریم، به‌ویژه ایران نشان از چند اشتباه سیاستی مهک می‌دهد:

الف) کنترل‌های قیمتی افراطی

د و خالت نامناسب در بازار کنترل قیمت‌ها به قصد محافظت از مصرف‌کنندگان در کوتاه‌مدت ممکن است انگیزه تولید را کاهش دهد، سودآوری کسب‌وکارها را تضعیف کند و در نهایت منجر به کمبود کالا و کاهش کیفیت شود. گزارش به‌صراحت اشاره می‌کند که کنترل‌های قیمتی بی‌قاعده می‌تواند به تضعیف عرضه و تشدید اقتصاد زیرزمینی منجر شود؛ نتیجتاً فشار بر خانوارها تشدید



است که سررسید مشخصی دارد. این رضایت اولیه ناشی از نوع دوستی آنها قوی است. این یک وضعیت «محاسبه‌انتهایی» است؛ من انتظار دارم نوبت من بزودی برسد. اگر این انتظار در فز اول، متحرک‌ها ناراضی و غیرمتحرک‌ها راضی هستند. در یک «فاز دوم»، ممکن است یک تغییر متوازن رخ دهد. متحرک‌ها در نهایت جذب شده و ساختار قانونی به نفع آنها می‌شود، در حالی که غیرمتحرک‌ها راضی می‌شوند. در یک «فاز دوم»، ممکن است یک تغییر متوازن رخ دهد. متحرک‌ها در نهایت جذب شده و ساختار قانونی به نفع آنها می‌شود، در حالی که غیرمتحرک‌ها امید خود را برای پیوستن به کاروان پیشرفت از دست داده و به دشمنان نظم موجود تبدیل می‌شوند.

هیرشمن خاطرنشان می‌سازد که زمان‌بندی این دو تغییر بسیار حیاتی است. اگر غیرمتحرک‌ها زمانی خشمگین شوند که متحرک‌ها نیز هنوز ناراضی و بیگانه هستند، آنگاه پیوستن آنها به تحریم‌ها سستی را تسهیل می‌کند. هیرشمن استدلال می‌کند که همه از روند توسعه راضی به نظر می‌رسند، به ثبات عادت می‌کنند و متوجه اضمحلال تدریجی اثر تونل نمی‌شوند. زمانی که خشم عمومی فوران می‌کند، دیگر روند توسعه است. نشانه‌های این روند اغلب در تغییر گفتمان و واژگان جامعه دیده می‌شود. برای مثال، اصطلاح «قطب رشد» که حامل مفهوم تابش توسعه به مناطق پیرامونی بود، در دهه بعد از اصطلاح «استعمار داخلی» جایگزین شد که حاکی از استعمار همان مناطق

توسط مرکز بود.

اسطوره‌ای باشند می‌توانند در حفظ ثبات اجتماعی مؤثر واقع شوند.

پایام‌ها برای یکپارچگی و انقلاب: یک پارادوکس

هیرشمن با یک پارادوکس قابل توجه به تحلیل عمیق اثر تونل می‌پردازد. در حالی که اثر تونل روی افرادی که «عقب مانده‌اند» (غیرمتحرک‌ها) تمرکز دارد، واکنش کسانی که «به پیش رفته‌اند» (متحرک‌ها) می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. از دیدگاه ساده‌انگارانه اقتصادی، انتظار می‌رود که افراد صعودکننده به سطوح‌های جامعه تبدیل شوند. اما تاریخ نشان می‌دهد که این گروه اغلب دست کم برای مدتی ناراضی و حتی برانداز هستند. دلیل اصلی این امر، «تحرک جزئی» است. این افراد ممکن است از نظر ثروت پیشرفت کنند، اما با فشار مدتی ناراضی و حتی برانداز می‌مانند. این امر امکان دارد که به دلیل فقدان انگیزه برای تغییرات رادیکال اجتماعی و حتی انقلاب

ایجاد می‌شود. این وضعیت نزدیک به معیار رانست لایبروس، مورخ فرانسوی، برای وقوع موقعیت‌های انقلابی است؛ «اتحاد اکثریت عظیم کشور در رد کامل جامعه موجود و نظم حاکم».

از رضایت به خشم؛ زمانی که اثر تونل محو می‌شود

اثر تونل یک «اعتبار» یا «تور ایمنی»

خبر

آرنو برتران با تحلیل گزارش «زند» راهبرد کلان ایالات متحده و همزیستی با چینی‌ها می‌داند

چرخش نرم آمریکا در قبال چین

آرنو برتران در یادداشتی تازه، به گزارش مهم اندیشکده زند (RAND) ـکه معمولاً به‌عنوان یکی از نهادهای فکری نزدیک به مجتمع نظامی-صنعتی ایالات متحده شناخته می‌شود-اشاره می‌کند و آن را «نشانه‌ای کلیدی» از تغییر جهت‌گیری در راهبرد کلان آمریکا در قبال چین می‌داند. به زعم او، در پس همه هیاوها و کشمکش‌های لفظی، «دولت پنهان» در ایالات متحده در حال فاصله گرفتن از منطق بازارندگی حداکثری و حرکت به سوی پذیرش نوعی همزیستی با چین است؛ دقیقاً همان مسیری که گزارش زند توصیه می‌کند. اهمیت این نکته از آن روست که وقتی نهادهای مانند زند، زبان به توصیه‌هایی نسبتاً احترام‌آمیز درباره رقیبی راهبردی می‌کشاید، معمولاً انگیزه‌اش «صلح‌طلبی» نیست؛ بلکه بازشناسی تغییرات عینی در موازنه مادی قدرت است.

در این چهارچوب، برتران سه توصیه محوری گزارش را برجسته می‌کند: اول، رد تصور «پیروزی مطلق» در رقابت با چین و پذیرش مشروعیت حزب کمونیست چین. در متن گزارش آمده که ایالات متحده باید اهداف خود را با زبانی روشن صورت‌بندی کند؛ زبانی که به‌صراحت نسخه‌های مطلق پیروزی را کنار می‌گذارد و مشروعیت حزب حاکم در چین را به رسمیت می‌شناسد. استدلال پشت این توصیه روشن است: در رقابتی از این دست، «تاب‌آوری مؤثر طرف مقابل» نه ممکن است و نه خردمندانه؛ پیگیری چنین هدفی نه‌تنها با واقعیت‌های سخت مادی ناسازگار است، بلکه می‌تواند هردو طرف را به ورطه‌ای بکشاند که بقای‌شان را تهدید کند. به بیان دیگر، اصرار بر پیروزی نهایی و یک‌جانبه، نسخه‌ای برای تشدید بحران و ورود به مسیرهایی با ریسک وجودی است.

توصیه دوم، پذیرش همزیستی است. گزارش تأکید می‌کند که هر دو طرف باید ـبه‌صورت عمیق، نهادهمند و مورد پذیرش اجتماع- تصمیم‌گیرندگان بپذیرند که سطحی از «همزیستی» مسالمت‌آمیز، ناگزیر بخشی از رابطه خواهد بود. هم‌زمان، هر طرف باید مشروعیت سیاسی بنیادی طرف دیگر را به رسمیت بشناسد. این پذیرش، صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ بلکه شرط لازم برای طراحی سازوکارهایی است که رقابت را «قابل مدیریت» نگه می‌دارد، ریسک‌های کنترل‌ناپذیر را مهار می‌کند و مسیرهایی برای بازگشت به ثبات در مواقع بحران فراهم می‌آورد. اما شاید چنجالی‌ترین بُعد گزارش زند، توصیه‌هایی درباره تایوان باشد. برتران یادآور می‌شود که نویسندگان پیشنهاد می‌کنند مجموعه‌ای از سیگنال‌های متقابل میان واشنگتن و پکن ردوبدل شود که در آن ایالات متحده، هم‌زمان با تأکید براینکه از استقلال تایوان حمایت نمی‌کند و به دنبال جدایی دائمی در سراسر تنگه نیست، مخالفتی با «اتحاد مسالمت‌آمیز» ندارد. هدف این سیگنال‌دهی، به زعم گزارش، ایجاد حداکثر انگیزه برای پکن است تا به جای مسیرهای شتابان‌دار، پریسک، رویکردهایی تدریجی را برای تحقق هدف نهایی خود دنبال کند. علاوه براین، متن تصریح می‌کند که واشنگتن باید تعهدات خود به تایوان را با استفاده از «اهرم فشار» برای پیشگیری از اقدامات تحریک‌آمیز تایپه متعادل کند؛ به بیان روشن‌تر، از نفوذ خود بهره‌گیرد تا رفتارهایی که وضعیت موجود را به‌هم می‌زند، محدود شود. در همین راستا، گزارش حتی به طور انتقادی به اظهارات رئیس‌جمهور تایوان درباره «حاکمیت» اشاره می‌کند و آن را نمونه‌ای از گزاره‌هایی می‌داند که ممکن است مسیر تنش‌زایی را هموار کند.

اصول راهنمای شش‌گانه در رقابت آمریکا و چین

در کنار این سه محور اصلی، گزارش زند مجموعه‌ای از اصول راهنما را برای «تثبیت رقابت» میان آمریکا و چین فهرست می‌کند: اصولی که برتران آنها را برجسته کرده است. این اصول عبارت‌اند از: (۱) اذعان مشترک نهادهمند به ضرورت یک «راه حل موقت» یا *modus vivendi* ـبه عنوان بخشی از رابطه-؛ (۲) پذیرش مشروعیت سیاسی بنیادی طرف مقابل؛ (۳) تلاش برای تدوین قواعد، هنجارها، نهادها و ابزارهای مشترک در حوزه‌های مورد اختلاف، به نحوی که طی بازه‌های زمانی مشخص مثلاً سه تا پنج سال شرایط یک راه حل موقت پایدار فراهم شود؛ (۴) اعمال شریکنداری در توسعه توانمندی‌هایی که صراحتاً برای تضعیف بازدارندگی و دفاع طرف مقابل به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که خطر وجودی برای سرزمین او ایجاد کنند؛ (۵) توافق بر فهرستی ضروری از ویژگی‌های یک چشم‌انداز مشترک برای سازماندهی سیاست جهانی حداقلی که بتواند مبنایی برای وضعیت موجود مورد توافق باشد و (۶) استقرار سازوکارها و نهادهای پایدار از روابط شخصی بلندمدت و خطوط ارتباطی تا هنجارها و قواعد مدیریت بحران-برای نقش آفرینی تعدیل‌کننده و تسهیل بازگشت به تعادل.

نکته کلانی در خوانش برتران از این گزارش آن است که این توصیه‌ها ناشی از «دگرگونی» به موازنه قدرت است. بازمیم او، وقتی زند از پذیرش همزیستی سخن می‌گوید و از زبان «عدم پیروزی مطلق» بهره می‌گیرد، معنایش آن است که محاسبات در واشنگتن متوجه هزینه‌ها و محدودیت‌های رقابت افسارگسیخته شده است.

این چهارچوب، به طور ضمنی دو پیام دیگر نیز در خود دارد: اول، رقابت ادامه خواهد یافت؛ اما با ریل‌گذاری‌هایی که جریان آن را «بازدارندگی» کند. دوم، پذیرش مشروعیت طرف مقابل، نه به معنای همسویی سیاسی است و نه دست‌کشیدن از منافع؛ بلکه شناسایی یک واقعیت ژئوپلیتیک است که در آن حذف طرف دیگر ناممکن و تلاش برای آن، به‌ویژه و خطرناک است. در پرونده تایوان، توصیه‌های گزارش همان‌طور که برتران برجسته می‌کند-بر سیگنال‌دهی متقابل دقیق« استوار است؛ واشنگتن از یک‌سو روشن کند که از استقلال حمایت نمی‌کند و به دنبال جدایی دائمی نیست؛ از سوی دیگر، با مدیریت تعهدات امنیتی‌اش، تایپه را از اقداماتی که وضعیت موجود را به‌هم می‌زند، بازدارد. منطقی که پشت این توصیه‌هاست، کاستن از انگیزه‌ها برای سناریوهای پرخطر و ایجاد فضا برای رویکردهای تدریجی و کمتر تنش‌زاست. به این ترتیب، «بازدارندگی» یک «قاعد» جای خود را به «بازدارندگی» قدرت ملی و محدودیت‌های تغییرپذیری نظم بین‌الملل است. هرگونه لغزش به سمت زبان پیروزی مطلق یا اقدامات یک‌جانبه‌ای که بازدارندگی طرف مقابل را تهدید و وجودی جلوه دهد، می‌تواند کل معماری «رقابت تثبیت‌شده» را سست کند.